

آموزش قربانی فقر معیشتی مردم شده است

کاهش ۵۰ درصدی سهم آموزش از سبد خانوار طی سال های ۹۸ و ۹۹



خانه اندیشمندان علوم انسانی روز گذشته شاهد برگزاری همایش «فقر و نابرابری آموزشی» بود. به گزارش «توسعه ایرانی»، در این همایش سخنرانان که در بین آنها سه تن از وزرای سابق آموزش و پرورش، وزیر پیشین تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معاون رفاهی پیشین وزارت کار حضور داشتند، به ارائه آمار و گزارش هایی پرداختند که رابطه مستقیم میان شاخص های آموزشی و اقتصادی را نشان می داد. در ابتدا، رئیس این همایش بابیان اینکه همزمانی «تحریم» و «کرونا» موجب عمیق تر شدن فقر شده و آموزش قربانی فقر معیشتی شد، گفت: بر اساس تحقیقات انجام شده، از سهم آموزش از سبد خانوار در سال ۹۸ حدود ۲۹ درصد و در سال ۹۹ معادل ۲۳ درصد کاسته شده است.

علی ربیعی بابیان اینکه مجموعه مطالعات در سطح جهانی و ملی نشان می دهد آموزش قلمرویی است که تأثیری بی بدیل بر حرکت جامعه در جهت مقابله با ابعاد مختلف نارسایی ها، بحران ها و حتی نابرابری ها و کمک به ایجاد فرصت برابر برای همه را در خود دارد، گفت: فقر به طور کلی محصول نابرابری است و نابرابری ریشه در فقدان آموزش در جامعه دارد. ربیعی افزود: در جوامع امروزی، بدون سیاست گذاری صحیح و موثر قادر به غلبه بر مشکلات و بحران ها نخواهیم بود. هر چند فقر چالش همه جوامع است اما در ایران مسأله ای جدی تر است.

وی با طرح این پرسش که چرا موفقیت در امر فقر زدایی حاصل نمی شود و وضع ایران در حوزه فقر قابل قبول نیست؟ گفت: سیاست گذاری نامناسب در طول زمان های مختلف از جمله علل عدم دستیابی به هدف مذکور است که اصلاحات را دشوار می کند. معتقدم ارائه بدون هدف و بدون معطوف شدن به جبران آموزش، نمونه ای از گام های غلط طی شده در ایران است.

رئیس همایش علمی فقر و نابرابری آموزشی افزود: آموزش به دلایل مختلف راه حل بنیادی محسوب می شود. برای مقابله با همه ابعاد فقر و حتی سیاست گذاری بهتر، در نظر گرفتن سیاست گذاری آموزشی امری اجتناب ناپذیر است. ربیعی با اشاره به اینکه پرداختن به فقر آموزشی، ایجاد فضایی برای غلبه بر مشکلات متعدد است گفت: سیاست گذاری های معطوف به آموزش و آموزش در همه ابعاد از مهارت های فنی و... رانایز مندی و توصیه می کنیم.

وی افزود: آموزش، هر چند معلول فقر و نابرابری است اما یک سیاست گذاری صحیح، راهکار های مقابله با نارسایی های بزرگ را به دست می دهد. آموزش هم به مثابه معلول و هم علت نابرابری فقر و هم راهکار مقابله محسوب می شود.

وزیر اسبق تعاون، کار و رفاه اجتماعی بابیان اینکه تحریم و کرونا موجب عمیق تر شدن فقر شده و آموزش قربانی فقر معیشتی و خوراکی شده است، گفت: بر اساس تحقیقات انجام شده، آمار بازماندگی از تحصیل در دوره ابتدایی از ۱۴۰ هزار نفر به ۲۱۰ هزار نفر و در دوره متوسطه به ۷۶۰ هزار نفر رسیده است.

تجاری کردن آموزش، باعث انحراف شد

در ادامه همایش، معاون اسبق رفاهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اینکه با بروز کرونا رفتار دانش آموزان طی دو سال به شدت تغییر کرده، گفت: رفتار آموزش دهنده ها نیز تغییر کرده و دولت ها نیز هزینه آموزش را کاهش داده اند. این رفتار باید با اصلاح و تغییر یابند که بدون مشارکت مستمر نیروهای مدنی سازمان یافته امکان پذیر نیست و باید هم افزایی داشته باشیم تا رفتار های غلط ایجاد شده در دوران کرونا را تصحیح کنیم.

احمد میدری بابیان اینکه این موضوع که به دنبال مشارکت اجتماعی و مدنی با دولت برای کاهش فقر نابرابری آموزشی هستیم اما بحث سنگین و پیچیده است، گفت: در دو مرحله موفق شدیم در عدالت آموزشی جهش داشته باشیم.

وی افزود: نخست پس از انقلاب مشروطه در سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ و دوم پس از انقلاب ۵۷ است که اثری اجتماعی بزرگی ایجاد شد، انقلابی که نابرابری در آموزش و سلامت را نمی پذیرفت. تمام نظام های بین المللی از تقای بهداشت و آموزش در ایران راستا و دبرزگی می دانستند.

معاون اسبق رفاهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اینکه اما بعد از جنگ این اثری اجتماعی کاهش می یابد، گفت: پارادایم غلط سیاست گذاری مبنی بر تجاری کردن آموزش، انحرافات را در جهان از جمله ایران ایجاد کرد.

میدری با بیان اینکه اتفاق نظر زیادی در جامعه مدنی وجود ندارد، گفت: در حوزه کودکان با نیازهای ویژه، کرونا و... دیدگاه های مختلفی وجود دارد که طبیعی است اما آنچه مشکل ایجاد می کند عدم گفت و گو بین نیروهای مدنی است تا بتوانند سدهای خود را سازمان یافته تر به دولت منتقل کنند. دولت ها سیر نظام اداری هستند. آدم های شریفی خواسته اند تغییرات بزرگ ایجاد کنند ولی نتوانسته اند زیرا تغییر در نظام اداری امری پیچیده است.

این استاد دانشگاه با اشاره به ضرورت جبران آثار کرونا بر آموزش اظهار کرد: یونسف اعلام کرده اگر نخواهیم اثر کرونا بر آموزش را جبران کنیم، ۲۱ هزار میلیارد دلار ثروت از بین می رود. وی در پایان سخنانش خود گفت: بعد از پاندمی کرونا وارد

رقم باشد. آموزش های مجازی هم در بهترین حالت ۶۰ درصد موثر هستند. همچنین بحث قامت و اندام بچه ها و صدماتی که در دوران کرونا دیده اند، مطرح است. وی در مورد تربیت اجتماعی که در این دو سال کرونا تعطیل شده هم گفت: بچه ها منزوی و فردگرا شده اند و باید برای بعد از کرونا برنامه ریزی داشته باشیم. این چالش های اصلی آموزش و پرورش است که باید به آن توجه کرد.

وی با تأکید بر اینکه در ابتدای انقلاب ما به لحاظ کمی در آموزش و پرورش موفقیت های بسیاری داشتیم، گفت: وقتی تغذیه رایگان را راه انداختیم، ۱۱ هزار کودک از کوچه و محله به مدرسه برگشتند. با این حال در روزگاری که ۸۰۰ میلیارد دلار نفت می فروختیم و مشکلات را می شد حل کرد، کسی به فکر آموزش و پرورش نبود. همه البته می دانیم چه کسانی آن روزگار مسئولیت داشتند. آن روزها می شد مسائل را حل کرد.

در حاشیه
به دنبال ریشه های مسائل می گردیم

در ادامه این همایش، یک وزیر سابق آموزش و پرورش نیز گفت: برای رسیدن به مسأله، باید به لایه های میانی برویم و نسبت ها و روابط بین پدیده ها را درک کنیم. یکی از خطاهای ما این است که در حاشیه به دنبال ریشه های می گردیم. حاجی میرزایی در پاسخ به این سوال که علت فقر و نابرابری آموزشی چیست؟ گفت: ما با مسائل متعددی مواجه هستیم اما در یک نگاه کلی، کارکرد نظام آموزش با اختلال همراه است و رمزگشایی از این اختلال پاسخ به این سوال است.

وی گفت: در ابتدا برای ورود به بحث باید بین دو مفهوم مشکل و مسأله تفاوت قائل شویم. مشکل آن چیزی است که دیده می شود و یک نشانه است. ما برای حل مشکل نباید روی آن توقف کنیم بلکه باید از مشکلات به منشأ برسیم. پدیده فقر آموزشی مشکل است و برای حل این مشکل باید به دنبال ریشه های باشیم.

حاجی میرزایی گفت: نیازمند نگرش سیستمی به مسائل هستیم و با گزاره های منفک و مستقل نمی توانیم به سمت حل مسائل برویم. فقدان نگرش سیستمی ما را دچار اتلاف فرصت و منابع می کند. ما منابع انسانی، منابع مالی، برنامه درسی و... داریم اما نظام خوبی نداریم. امروز منابع مالی خوبی هم در سیستم داریم اما منابع مالی در سیستم آموزش و پرورش در خدمت سیستم نیستند و ۹۶ درصد از این منابع در آموزش و پرورش دخالتی ندارند.

وی بیان کرد: این منابع باید در قالب طراحی هوشمند در تمام ارکان چرخیده شود. برنامه درسی ما از منابع مالی تغذیه نمی شود. باطمینان می گویم که اگر ۱۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه، ۳۰۰ هزار میلیارد تومان هم بود با تأثیر نمی گذارد چون اینها پیوند سیستمی ندارند. حاجی میرزایی گفت: یک مجموعه باید تعریف مناسبی با بیرون از خود داشته باشد که ما نداریم. سیستم های پدیده مستان تعریف شده و هم راستا با هم داشته باشند.

وی در پایان گفت: نسبت حکومت و آموزش و پرورش از ابتدا به درستی درک نشده است. مانگرش غلط به مسأله داریم و مسأله را به درستی فهم نکرده ایم.

دانش آموختگان سیستم آموزشی ما کیفیت ندارند

در بخش دیگری از این همایش، عضو کانون صنفی معلمان ایران ضمن بیان اینکه گفتن آن در حوزه عدالت آموزشی از مباحث مهم در جهان است، گفت: زمانی که از فقر یا نابرابری آموزشی صحبت می شود دو بخش وجود دارد؛ یک بخش از این فقر و نابرابری خشن و آشکار تر است که شامل بچه های ترک تحصیل کرده می شود و بخش دیگر فقر پنهان است. کسانی

وی با تأکید بر اینکه در ابتدای انقلاب ما به لحاظ کمی در آموزش و پرورش موفقیت های بسیاری داشتیم، گفت: وقتی تغذیه رایگان را راه انداختیم، ۱۱ هزار کودک از کوچه و محله به مدرسه برگشتند. با این حال در روزگاری که ۸۰۰ میلیارد دلار نفت می فروختیم و مشکلات را می شد حل کرد، کسی به فکر آموزش و پرورش نبود. همه البته می دانیم چه کسانی آن روزگار مسئولیت داشتند. آن روزها می شد مسائل را حل کرد.

پول گرفتن از مردم، علت تنوع مدارس در کشور است

در ادامه، وزیر اسبق آموزش و پرورش، پول گرفتن از مردم را از علل تنوع مدارس در کشور برشمرد. علی اصغر فانی اظهار کرد: عدالت آموزشی راه برون رفت آموزش و پرورش از شرایط فعلی است و اگر از سمت آسیب ها و مشکلات آموزش و پرورش هم وارد بحث شویم، باز به راه حل عدالت می رسیم. آموزش و پرورش در کشور ما کوچک انگاشته می شود و در اولویت نیست و این گیر اصلی آموزش و پرورش در ایران است که مقوله ای سهل و ممتنع پنداشته می شود. وی با برشمردن مشکلات تأثیرگذار در این وزارتخانه خاطر نشان کرد: اینکه آموزش و پرورش کوچک دیده شود عوارض متعددی دارد که نتایج آن، کسری بودجه تا ۲۵ درصد به صورت سالانه است. تنوع بیش از حد مدارس از دیگر چالش هاست. در رسانه ها می نویسند ۲۷ نوع مدرسه داریم ولی ما ۲۷ نوع مدرسه نداریم و حد اکثر ۶ نوع مدرسه داریم. مدرسه شبانه یا روزانه فقط ساعت کارش فرق دارد و مدرسه شبانه روزی نوع دیگری از مدرسه نیست. ما ۶ نوع مدرسه داریم که باز همین تعداد هم زیاد است؛ مدرسه دولتی، نمونه دولتی، شاهد، استثنایی، هیأت امنایی و غیر دولتی.

فانی توضیح داد: این تنوع دو خاستگاه دارد که یکی پول گرفتن از مردم است. یکی از وزرا گفته بود کاری کنید از مردم بتوانیم پول بگیریم و مردم با میل پول بدهند. وقتی وزیر شدم ۳۰ درصد دانش آموزان برای ثبت نام تیزهوشان درخواست داده بودند که میانگین آن در دنیا ۱۰ درصد است و این فقط برای بحث گرفتن پول از مردم بود.

او تصریح کرد: حذف سراسرانه مدارس دولتی، بی پولی و در اولویت نبودن نتیجه اش این شده است که مدارس نمی توانند پول آب، برق و گاز را بدهند. مدیر مدرسه از کجا پول بیاورد؟ وقتی سرانه حذف شود، کمبود حقوق معلم و کاهش انگیزه معلم ایجاد می شود. ما تقریباً یک میلیون پرسنل در آموزش و پرورش داریم که انگیزه این افراد تقریباً صفر است. توانمندی هم که خیلی ضعیف است لذا نمی توانیم سند تحول بنیادین را اجرا کنیم.

وزیر اسبق آموزش و پرورش بابیان اینکه معیشت منزلت و هویت معلم زیر سوال است، افزود: معلم ناراضی، مسئول و دانش آموز اولیای ناراضی، خودمان هم که ناراضی هستیم، پس چه کسی راضی است که ۱۵۰ هزار میلیارد تومان امسال در آموزش و پرورش هزینه می کند؟ این راهم بدانید که میانگین عمر وزرای آموزش و پرورش دو سال است و در دو سال هیچ کاری در وزارت آموزش و پرورش نمی توان انجام داد.

فانی ادامه داد: فضای مجازی هم گرفتند اما امروز موبایل شد. قبلاً موبایل را از دانش آموز می گرفتند اما امروز موبایل ابزار آموزش شده است. البته کرونا موجب ترک تحصیل دانش آموزان زیادی شده و احتمالاً رقم ۹۶ هزار نفر ترک تحصیل که معاون وزیر آموزش و پرورش بیان کرده دقیق ترین آمار در دنیا ۱۰ درصد است.



اکرمی خاطر نشان کرد: الگوی دیگری می گوید باید به وضعیت ترها رسید، مثل اعضای بدن که به کمک هم می رسند و در عارضه ها به هم کمک می کنند. ما باید از الگوی طبیعت یاد بگیریم و افراد توانمند به کمک افراد ناتوان برسند اما جامعه امروز ما چگونه است؟ آیا مدارس دولتی و غیر دولتی یکسان است؟ آنها نمی گویند که مدارس دولتی و غیر دولتی یکسان نیستند؟ امروز آموزش و پرورش ما باز تاب شرایط اجتماعی است. حالا کودکان کار و زباله گرد بمانند.

فانی: یکی از وزرا گفته بود کاری کنید از مردم بتوانیم پول بگیریم و مردم با میل پول بدهند. وقتی وزیر شدم ۳۰ درصد دانش آموزان برای ثبت نام تیزهوشان درخواست داده بودند در حالی که میانگین آن در دنیا ۱۰ درصد است

اکرمی: در روزگاری که ۸۰۰ میلیارد دلار نفت می فروختیم و مشکلات را می شد حل کرد، کسی به فکر آموزش و پرورش نبود. همه البته می دانیم چه کسانی آن روزگار مسئولیت داشتند. آن روزها می شد مسائل را حل کرد

که در سیستم آموزشی مدارس می خوانند از کیفیت آموزشی برخوردار نیستند.

محمدرضا نیک نژاد گفت: در مجموع فقر چندبعدی در نسبت دانش آموز به معلم وجود دارد. قبلاً به ازای هر معلم ۲۸.۳ دانش آموز بود که امروز اوضاع بدتر شده است. مایک شیب ترک تحصیل داریم که هر چه بالاتر می رویم شیب بیشتر می شود. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه خرداد امسال گفت ۳۰۰ هزار معلم کم داریم. معاون پارلمانی وزیر آموزش و پرورش هم گفته که ۴۰ هزار از طریق دانشگاه فرهنگیان و ۲۴ هزار معلم از ماده ۲۸ جذب شده و حالا ۸ هزار معلم هنوز کم است.

عضو کانون صنفی معلمان ادامه داد: آقای فانی در دوران وزارت خود در سال ۹۴ گفت و گو با رسانه ها گفت که استخدام های کارشناسی نشده به دلیل بهره وری پایین، خیانت به تعلیم و تربیت است و کاهش نیروی آموزش و پرورش را راهکار این مشکل اعلام کرد.

او تصریح کرد: علی زرافشان نیز آن زمان گفته بود جهت گیری وزیر آموزش و پرورش این است که تناسی بین دانش آموز و معلم به وجود بیاید و برای هر ۱۵ دانش آموز یک معلم باشد. من معتقدم این موارد ساده انگارانه است چون ۵ سال بعد آقای حاجی میرزایی گفت که ۱۹۷ هزار نفر در آموزش و پرورش کمبود نیرو وجود دارد.

نیک نژاد اظهار کرد: آثار نامطلوب تعدیل نیرو که سنگ آن به اشتباه در دوران آقای فانی و قبل از او گذاشته شد، سراغ بچه های شهری و کلان شهرها رفت چرا که آنها دنبال آموزش کیفی هستند. البته من نمی خواهم همه بی کیفیتی آموزش را به کمبود نیرو ربط بدهم.

او افزود: مسا در زمان جنگ و پس از آن تا سال ها نگاه صرفه جویانه به آموزش نداشتیم. در سال پایانی دولت اصلاحات ۱۹ میلیون دانش آموز داشتیم و این عدد به ۱۲ میلیون رسیده یعنی یک سوم از دانش آموزان کشور کم شده اما به جای اینکه به سمت استانداردهای مطلوب جهانی ۱۵ نفر در کلاس بروند، مدارس را کم کردند و همه دانش آموزان را در یک مدرسه ریختند. در آن دوره یک سوم از مدارس تعطیل شد؛ آن هم زمانی که بهترین فرصت برای کیفی سازی اتفاق افتاده بود چرا که جمعیت کم شده بود.

نیک نژاد تأکید کرد: تعدیل نیرو باعث شد ما به سمت نیروهای آموزش ندیده برویم چرا که کلاس ها خالی شدند و معلم نداشتیم و جمعیت کلاس زیاد بود لذا به سمت جذب نیروی آموزش ندیده یا افرادی با مدرک غیر مرتبط رفتیم. بخشی از معلمی ذاتی است اما کجاذات معلم را واری می کنند که ببینند ذات معلمی دارد یا نه؟ بعضی از بروز خشونت ها و

آزارهای جنسی به دلیل همین عدم واری ها انجام می شود. اینها اثرهای ماندگار سیاست های است که امروز هم اتفاق می افتد. بدون گزینش انگیزشی، روانی و جسمی و برای فرار از غول بیکاری، معلمان جذب شدند و کسی آنها را ارزیابی نکرد. نیک نژاد یاد آور شد: اما چگونه باید کاری کرد که آموزش اولویت شود. معتقدم مسائل آموزش و پرورش باید در جنبش اجتماعی قرار بگیرد. من مخالف مدرسه پولی هستم اما حق خانواده است که فرزندش را انتخاب نام کند. آموزش در دنیا در رایگان است و وظیفه دولت است و من نمی توانم بگویم که کسی نیست. یک زمانی خصوصی سازی در عناوین مختلف در آموزش و پرورش امر یکارخ می داد و حدود ۱۵ سال طول کشید تا جنبش های اجتماعی، دولت های فدرال و ایالت ها و ادارات به عقب نشینی در خصوصی سازی کردند. ما نیاز داریم جامعه و دولتمردان تن به تغییرات به سمت عدالت بدهند.

عضو کانون صنفی معلمان بیان کرد: برای تغییر در آموزش باید جنبش اجتماعی ایجاد کرد. چرا بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی آموزش ما رایگان نیست؟ باید آموزش رایگان را به عنوان محور توسعه قبول کرد. امروز مدارس روستایی هم پول می گیرند و وقتی برق مدرسه قطع می شود از بچه های می خواهند پول بیاورند. هزینه کردن برای رضایت مدنی معلم مهم است ولی رضایت مدنی معلم شرط لازم رفع مشکلات است اما قطعاً شرط کافی نیست.

فانی در پاسخ به انتقادات نیک نژاد گفت: وقتی وزارت آموزش و پرورش را قبول کردم، بهره وری نیروی انسانی پایین بود. یک میلیون و ۵۰ هزار نیروی انسانی و یک میلیون و ۲۵۰ هزار ساعت حق التدریس داشتیم که آن را به ۹۰۰ هزار ساعت حق التدریس رساندیم ولی کسی را تعدیل نکردیم. وی افزود: بارها به سازمان اداری و استخدامی نامه نوشتیم که با بحران استخدام معلم مواجه هستیم اما این نامه ها بی جواب ماند. نکته دیگر اینکه ۹۶ درصد بودجه ای که در آموزش و پرورش، بابت حقوق معلمان هزینه می شود.

ربیعی: هم زمانی تحریم و کرونا موجب عمیق تر شدن فقر شده و آموزش قربانی فقر معیشتی شد چنانچه از سهم آموزش از سبد خانوار در سال ۹۸ حدود ۲۹ درصد و در سال ۹۹ معادل ۲۳ درصد کاسته شده است

ربیعی: هم زمانی تحریم و کرونا موجب عمیق تر شدن فقر شده و آموزش قربانی فقر معیشتی شد چنانچه از سهم آموزش از سبد خانوار در سال ۹۸ حدود ۲۹ درصد و در سال ۹۹ معادل ۲۳ درصد کاسته شده است

ربیعی: هم زمانی تحریم و کرونا موجب عمیق تر شدن فقر شده و آموزش قربانی فقر معیشتی شد چنانچه از سهم آموزش از سبد خانوار در سال ۹۸ حدود ۲۹ درصد و در سال ۹۹ معادل ۲۳ درصد کاسته شده است